

۱- در کدام بیت وجه شبه نادرست است؟

۱. شقایق بر یکی پای ایستاده / چو بر شاخ زمرد جام باده (سرخى بر سبزی)
۲. لاله میان کشت درخشد همی ز دور / چون پنجه عروس به خنّا شده خضیب (سرخى بر زردی)
۳. آن روشنی که چون به پیاله فروچکد / گویی عقیق سرخ به لؤلؤ فروچکد (سرخى بر سفیدی)
۴. زلف بر روی تو یا آنکه بر آتش دود است / ای بسا دیده کزین دود سرشک آلود است (سیاهی بر سرخی)

۲- معنای بیت در تمام گزینه‌ها درست است جز گزینه

۱. آب جیحون از نشاط روی دوست / خنگ ما را تا میان آید همی: از شوق دیدار دوست آب جیحون تا کمر اسب سفید ما بالا می‌آید.
۲. در جست‌وجوی تو دلم از پرده افتاد / ای در درون پرده جان از که جویمت: در راه جست‌وجوی تو رسوا شدم، ای آن که در درون جانم هستی تو را از که سراغ بگیرم؟
۳. الا ای خیمگی خیمه فروهل / که پیشاهنگ بیرون شد ز منزل: ای خیمگی، خیمه را پایین بیاور و جمع کن که پیشرو قافله به راه افتاده است.
۴. ای از مکارم تو شده در جهان خبر / افکنده از سیاست تو آسمان سپر: ای که جهان از بزرگواری‌های تو خبر دارد و آسمان در برابر سیاست تو از خود دفاع می‌کند.

۳- با کاستن یک هجا از پایان کدام بیت وزنی بسیار رایج به دست می‌آید؟

۱. آسمان در کشتی عمرم کند دایم دو کار / وقت شادی بادیانی گاه انده لنگری
۲. ای باغ جان که به زلفت نوبری ندارم / یاد لبت خورم که سر دیگری ندارم
۳. شبی تاری چو بی‌ساحل دمان پر قیر دریایی / فلک چون پر ز نسرين برگ نیل اندوده صحرایی
۴. گر مستمند و با دل غمگینم / خیره مکن ملامت چندینم

۴- در کدام گزینه متمم اجباری وجود ندارد؟

۱. این نوبت از کسان به شما ناکسان رسید / نوبت ز ناکسان شما نیز بگذرد
۲. زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد
۳. در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت / این عوعو سگان شما نیز بگذرد
۴. هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد / هم رونق زمان شما نیز بگذرد

۵- هر یک از متنهای زیر به ترتیب مربوط به کدام دوره تاریخی است؟

الف) سپاس باد یزدان دانا و توانا را کی آفریدگار جهانست و داندۀ آشکار و نهانست و رانندۀ چرخ و زمانست و دارندۀ جانورانست و آورندۀ بهار و خزانست.

ب) نامه خود را به استعارت و امثال و آیات قرآن و اخبار رسول آراسته دار و اگر نامه پارسی بود پارسی مطلق منبیس که ناخوش بود خاصه پارسی دری که نه معروف بود آن خود نباید نداشت.

پ) در چنین زمانی که قحط سال مروّت و فتوّت با شد و روز بازار ضلالت و جهالت اخیار ممتحن و خوار و اشرار ممکن و در کار. کریم فاضل تافتۀ دام محنت و لئیم جاهل یافتۀ کام نعمت. هر آزادی بی زادی و هر رادی مردودی و هر نسیبی بی نصیبی. ت) در این هنگام سعادت فرجام دارالسلطنۀ اصفهان به یمن مقدم شهریار گیتی ستان غیرت افزای جنان بود و همه روزه در باغات و بساتین آن خطۀ فردوس نشان به عیش و شادکامی گذرانیده به عون الهی اسباب فیروزی و اقبال بر وجه اتم و اکمل آماده از هیچ طرفی امری که موجب اکراه خاطر اولیای دولت قاهره بوده باشند واقع نبود.

۱. سده های ۵ و ۴ و ۱۱ و ۷

۲. سده های ۵ و ۵ و ۷ و ۱۱

۳. سده های ۴ و ۷ و ۸ و ۱۱

۴. سده های ۴ و ۷ و ۷ و ۸

۶- در کدام گزینه استعارۀ مصرحه به کار رفته است؟

۱. گویند سنگ لعل شود در مقام صبر/ آری شود ولیک به خون جگر شود
۲. شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت/ چشم دریده ادب نگاه ندارد
۳. نه هر درخت تحمل کند جفای خزان/ غلام همت سروم که این قدم دارد
۴. چه ناله ها که رسید از دلم به خرمن ماه/ چو یاد عارض آن ماه خرگهی آورد

۷- در کدام عبارت واژه ای که امروز تغییر معنایی یافته، دیده نمی شود؟

۱. مثال داد تا هزار هزار درم به مستحقان و درویشان دهند شکر این را.
۲. حال خلیفه دیگر است که او خداوند ولایت است و خواجه با امیر محمود به غزوها بوده است.
۳. و راه یافتم تا سعادت دیدار همایون امیر مسعود دیگر باره یافتم.
۴. ناوی ده بیاوردند. یکی بزرگ تر، از جهت نشست او و جامه ها افکندند و شرابی بر وی کشیدند.

۸- در کدام گزینه واژه وندی دیده نمی شود؟

۱. خسرو هم با آنکه خودرو و خودسر بود، اندرز مادر بزرگ ناتوان را به گوش اطاعت شنید.
۲. سعدی که انعطاف جادوگرانه ای دارد، آن قدر خود را خم کرد که به حد فهم ناچیز کودکانۀ من برسد.
۳. فک زیرین را پیمود و آخره ماند. پس بالا رفت. چشم را نشاند. دو گوش را بالا برد.
۴. در خانه هم پای سفرۀ ناهار یا شام که بلند می شدم، چشمم نمی دید. پایم به لیوان آب یا بشقاب یا کوزه آب می خورد.

۹- در کدام گزینه فعلی که بر آغاز امری دلالت کند، نیامده است؟

۱. سه ماه بود که موی سر باز نکرده بودیم و می خواستیم که در گرمابه شویم.

۲. بر سبیل تَلَطَّف جوابش باز داد و آن شخص مسلّم نداشت و آغاز عریده و سفاهت نهاد.
۳. آب نیرو کرده بود و کشتی پر شده، نشستن و دریدن گرفت.
۴. صیاد شادمان گشت و گرازان به تگ ایستاد تا ایشان را به ضبط آرد.

۱۰- کدام یک از آیه‌های زیر با متن مورد نظر ارتباط معنایی ندارد؟

«قِصَةُ حَالِ يُوسُفَ رَا نِيكُو نَهْ اَز حَسَن صَوْرَتِ اَوْ كَفْت، بَلَكِهْ اَز حَسَن سِيرَتِ اَوْ كَفْت. نَبِيْنِي كِهْ يُوسُفَ رَا اَز رُوْی نِيكُو بَنْد وَ زَنْدَانِ اَمْد وَ اَز خُوْی نِيكُو اَمْر وَ فَرْمَانِ اَمْد؟ سِيرَتَش نِيكُو تَرِيْن سِيرَتِهَآ بُوْد، اَز بَهْرِ اَن كِهْ دَر مَقَابَلَةُ جَفَا وَ فَا كَرْد وَ دَر مَقَابَلَةُ لُئِيْمِي كَرِيْمِي كَرْد.»

۱. وَ قَطَعْنَ اَيْدِيَهُنَّ وَ قُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هَذَا بَشَرًا اِنْ هَذَا اِلَّا مَلَكٌ كَرِيْمٌ
۲. نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ اَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ
۳. اَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ
۴. قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي اِلَيْهِ

۱۱- ساختار وزنی (چینش افاعیل) کدام بیت متفاوت است؟

۱. خوشا نبیذ غارجی با دوستان یک‌دله / گیتی به آرام اندرون مجلس به بانگ و مشغله
۲. نرسد ناله سعدی به کسی در همه عالم / که نه تصدیق کند کز سر دردی است فغانش
۳. تکیه کن بر شانه‌ام ای شاخه نیلوفرینم / تا غم بی‌تکیه‌گاهی را به چشمانت نبینم
۴. چرا ز روی لطافت بدین غریب نسازی / که بس غریب نباشد ز مه غریب‌نوازی

۱۲- در کدام بیت وجه‌شبه در دو معنای متفاوت به کار نرفته است؟

۱. ای که بر من می‌کشی خط و نمی‌خوانی مرا / بر مثال نامه بر خود چند پیچانی مرا؟
۲. حلقه‌زن خانه به دوش توایم / چون در تو حلقه به گوش توایم
۳. نمی‌کنی ای گل یک دم یادم / که همچو اشک از چشمت افتادم
۴. بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی / و یا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی

۱۳- بخش مشخص شده در کدام گزینه به درستی ترجمه شده است؟

۱. السعيد من سعد في بطن امه و الشقي من شقي في بطن امه: ستمکاره
۲. اَنْ يَّقْتُلُوْا وَ يَصْلُبُوْا اَوْ تَقَطَّعْ اَيْدِيَهُمْ وَ اَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ اَوْ يُنْفَوْا مِنْ الْاَرْضِ: تبعید شوند
۳. و الله هادی الی سواء السبیل: راه متفاوت
۴. اَرْكَبُوا الْبَحْرَ مَرَّةً وَ اَنْظُرُوا فِيْ اَثَارِ عِظْمَةِ اللّٰهِ جَلَّ جَلَالُهُ: [اگرچه] به سختی

۱۴- با توجه به عبارت «اِذَا مَرُّوْا بِاللَّغَوِ مَرُّوْا كِرَامًا» کدام گزینه درست است؟

۱. معنای آن این است: «چون بر امری لغو بگذرند، کریمانه بگذرند.»

۲. «إِذَا» ظرف مکانی است و معنای شرط دارد.

۳. «کِراماً» تمیز است و منصوب.

۴. «مَرُّوا» فعل مضارع و فاعل آن محذوف است.

۱۵- در کدام گزینه مصراع اول نادرست ترجمه شده است؟

۱. إِنِّي لَمُسْتَرٌّ مِنْ عَيْنِ جِيرَانِي / وَاللَّهِ يَعْلَمُ إِسْرَارِي و إعلاني: من از چشم زیبارویان پوشیده‌ام.

۲. بِئْسَ الْمَطَاعِمُ حِينَ الدَّلُّ يَكْسِبُهَا / الْقَدَرُ مُنْتَصَبٌ وَالْقَدَرُ مُخْفُوضٌ: چه بد است خوردنی‌ها آنگاه که خواری آنها را به دست می‌آورد.

۳. يَا لَيْتَ قَبْلَ مَنِيَّتِي يَوْمًا أَفُوزُ بِمَنِيَّتِي / نَهْرٌ تُلَاطِمُ رَكْبَتِي و أَظِلُّ أَمَلًا قَرِيبَتِي: کاش به آرزویم برسیم، روزی پیش از آنکه بمیرم.

۴. سَمِعَ إِلَى حُسْنِ الْأَغَانِي / مِنْ ذَا الَّذِي جَسَّ الْمَثَانِي: گوشم به خوشی آوازه‌هاست.

۱۶- در کدام گزینه هر مصراع استقلال معنایی دارد؟

۱. بر تست پاس خاطر بیچارگان و شکر / بر ما و بر خدای جهان‌آفرین جزا

۲. تو بر سر قدر خویشتن باش و وقار / بازی و ظرافت به ندیمان بگذار

۳. امید هست که روی ملال درنکشد / از این سخن که گلستان نه جای دلتنگی است

۴. کان که جنگ آرد به خون خویش بازی می‌کند / روز میدان وان که بگریزد به خون لشکری

۱۷- کاربرد «زنهار / زینهار» در کدام گزینه متفاوت است؟

۱. نکند دوست زینهار از دوست / دل نهادم بر آنچه خاطر اوست

۲. چنین اتفاق نادر افتد و بر نادر حکم نتوان کرد. زینهار تا بدین طمع دگرباره گرد و لغ نگردي.

۳. یک دم که دوست فتنه خفته است زینهار / بیدار باش تا نرود عمر بر فسوس

۴. سنگی به چند سال شود لعل پاره‌ای / زنهار تا به یک نفسش نشکنی به سنگ

۱۸- در کدام گزینه به ویژگی متفاوتی درباره گدا اشاره شده است؟

۱. گر گدا پیشرو لشکر اسلام بود / کافر از بیم توقع برود تا در چین

۲. محال عقل است که اگر ریگ بیابان در شود چشم گدایان پر شود.

۳. حاتم طایی که بیابان‌نشین بود اگر شهری بودی از جوش گدایان بیچاره شدی و جامه بر او پاره کردند.

۴. گدایی که بر شیر نر زین نهد / ابو زید را اسب و فرزین نهد

۱۹- واژه مشخص شده در کدام گزینه متفاوت است؟

۱. عابدی در سیل، منکر حال درویشان و بی‌خبر از درد ایشان.
۲. ملک را هم در آن شب آگهی دادند که در ملک تو چنین منکری حادث شده است.
۳. نماند از سایر معاصی منکری که نکرد و مسکری که نخورد.
۴. خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده. پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفهٔ روزی به خطای منکر نبرد.

۲۰- مضمون کدام گزینه با این پند «دو چیز محال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم» مرتبط نیست؟

۱. ای طالب روزی بنشین که بخوری و ای مطلوب اجل مرو که جان نبری.
 ۲. به نانهاده دست نرسد و نهاده هر کجا که هست برسد.
 ۳. صیاد بی‌روزی ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل بر خشک نمیرد.
 ۴. رودهٔ تنگ به یک نان تهی پر گردد/ نعمت روی زمین پر نکند دیدهٔ تنگ
- ۲۱- کدام یک از ابیات زیر از مضمون «بوریا باف اگر چه بافنده‌ست / نبرندش به کارگاه حریر» دورتر است؟
۱. به قدر شغل خود باید زدن لاف / که زردوزی نداند بوریا باف
 ۲. به هنر کوش که دیبای هنر / هیچ بافنده به بازار نداشت
 ۳. حدیث مدعیان و خیال همکاران / همان حکایت زردوز و بوریا باف است
 ۴. که کرد بهین کار جز بهین کس؟ / حلاج نبافد هگرز دیبا

۲۲- کدام گزینه به مفهوم کلی حکایت «طوطی‌ای با زاغ در قفس کردند ...» نزدیک‌تر است؟

۱. تو را که این همه بلبل نوای عشق زند / چه التفات بود بر ادای منکر زاغ
۲. قیاس کن که چه حالم بود در این ساعت / که در طویلهٔ نامردمم بیاید ساخت
۳. غذای زاغ سازیدی ز سرگینی و مرداری / چه داند زاغ کان طوطی چه دارد در شکرخایی
۴. در قفس طلبد هر کجا گرفتاریست / من از کمند تو تا زنده‌ام نخواهم جست

۲۳- همهٔ گزینه‌ها خواننده را به اندیشهٔ مطرح در عبارت «بر ظاهرش غیب نمی‌بینم و در باطنش غیب نمی‌دانم» دعوت می‌کند جز گزینهٔ

۱. زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست
۲. ورنه ندانی که در نهانش چیست / محتسب را درون خانه چه کار
۳. هر که را جامه پارسا بینی / پارسا دان و نیک‌مرد انگار
۴. چو ظاهر به عفت بیاراستم / تصرف مکن در کز و راستم

۲۴- معنای «اندیشناک» در عبارت «از دشمن صعب‌اندیشناکم» در تمام گزینه‌ها آمده است جز گزینهٔ

۱. شب دراز من اندیشناک در غم آنک / مگر خدای شیم را نیافریده سحر
۲. رهی کو بود دور از اندیشه پاک / به از راه نزدیک اندیشناک
۳. پیرمرد جهان دیده گفت: «ای یاران! من از این بدرقه شما اندیشناکم.»
۴. شد اندیشناک از پی کار او / که با ازدها دید پیکار او

۲۵- در کدام گزینه واژه یا عبارتی هم‌معنی با کلمات مشخص‌شده در عبارت «اگر هنرمند از دولت بیفتد، غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است؛ هر کجا که رود قدر بیند و بر صدر نشیند و بی‌هنر لقمه چیند و سختی بیند» نیامده است؟

۱. نه هر کس سزاوار باشد به صدر / کرامت به جاه است و منزل به قدر
۲. روز هجران بدانستم قدر شب وصل / عجب ار قدر نبود آن شب و نادان بودم
۳. من در نفس خود این قدرت و سرعت می‌شناسم که در خدمت درویشان یار شاطر باشم نه بار خاطر.
۴. به حکم ضرورت سخن گفتیم در فصل ربیع که صولت برد آرمیده بود و اوان دولت ورد رسیده.

۲۶- واژه‌های مشخص‌شده در کدام گزینه هم‌معناست؟

۱. باد خزان را بر ورق او دست تطاوّل نباشد- گذار کن چو صبا بر بنفشه‌زار و ببین / که از تطاوّل زلفت چه بی‌قرارانند
۲. رقعه منشآتش که چون کاغذ زر می‌برند- تو دانی که فرزین این رقعه‌ای / نصیحتگر شاه این بقعه‌ای
۳. کلمه‌ای چند به طریق اختصار از نوادر و حکایات و سیر ملوک ما ضی درج کردیم- از پای تشنه چه سیر آید و از دست گرسنه چه خیر؟
۴. با کاروان حجاز از کوفه به در آمد و همراه ما شد. نظر کردم و معلومی نداشت- در علم محاسب چنانکه معلومت چیزی دانم و اگر به جاه شما جهتی معین شود ... بقیة عمر از عهده شکر آن به در نتوانم آمد.

۲۷- در کدام گزینه کاربرد حرف «و» متفاوت است؟

۱. سخن را سرست ای خردمند و بن / میاور سخن در میان سخن
۲. دین ورز و معرفت که سخندان سجع‌گوی / بر در سلاح دارد و کس در حصار نیست
۳. او در من و من در او فتاده / خلق از پی ما دوان و خندان
۴. وقتی به لطف گوی و مدارا و مردمی / باشد که در کمند قبول آوری دلی

۲۸- همه گزینه‌ها از لحاظ منطقی می‌توانند در ادامه عبارت زیر باشند جز گزینه

«خدمت مهتری که به غایت دولت رسیده باشد مجوی ...»

۱. [چنانکه] فواره چون بلند شود سرنگون شود.
۲. [که] برگ نیل تا پوسیده نشود نیل نشود.
۳. چون به فرود آمدن نزدیک بود.
۴. و آخر همه تمامها نقصان شناس.

۲۹- بر اساس متن زیر مصالحه میان سامانیان و بوعلی سیمجور شامل کدام گزینه نمی‌شود؟

«بوعلی سیمجور که به نیشابور بود، گفتی که من اسفهلار و امیر خوراسانم ولکن به درگاه نرفتی و آخر عهد سامانیان بود و چندان قوت نداشتند که بوعلی را به دست آوردندی به عنف، پس با او به اضطرار به خطبه و سکه و هدیه راضی شدند.»

۱. ذکر نام سامانیان در مراسم نماز روز آدینه

۲. پرداخت خراج

۳. پیشکش فرستادن

۴. ضرب سکه به نام سامانیان

۳۰- کاربرد مشابه حرف مشخص‌شده متن زیر، در همه گزینه‌ها دیده می‌شود جز گزینه

«سخن جز بر مراد خداوند مگوی و با وی لجاج مکن که هر که با خداوند خویش لجاج کند پیش از اجل بمیرد که با درفش مشت زدن احمقی بود.»

۱. چیزی که تو دانی و دیگران را به شرح آن حاجت آید مگوی که شعر از بهر مردمان گویند.

۲. همی‌گوی و همی‌زن تا آنکه که از آن میان غرض تو حاصل شود که مطربان را بزرگترین هنری صبوریت که با مستان کنند.

۳. باید که نرد و شطرنج‌باز باشی ولکن نه چنانکه مقامر باشی که هر که به طبع مقامر باشد ندیمی ملوک را نشاید.

۴. سوگند خورد که این روز که مرا تحمیل همی‌داد و به راه گسیل همی‌کرد در میانه سخن ملک می‌رفت که خدای تعالی داند که من امیر شمس‌المعالی را دوست دارم.

۳۱- کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی دارد؟

«اگر [پادشاه] ترا از خویشتن ایمن دارد، آن روز نایمن باش.»

۱. خلاف از همه کس ناپسندیده است خاصه از پادشاه.

۲. هر که با خداوند خویش لجاج کند، پیش از اجل بمیرد.

۳. کسی بی‌اجل نمیرد و نمرdst.

۴. از هر که فربه شوی، نزار گشتن هم از وی بود.

۳۲- کدام گزینه جاهای خالی را به درستی پر می‌کند؟

«چون فربهی که تابع مزاج است و چون لاغری که تابع مزاج است و چون سرخی گونه که تابع است و چون زردی که تابع است.»

۱. افزونی / ضعیفی / خون / صفرا

۲. سردی / گرمی / خون / صفرا

۳. گرمی / سردی / اعتدال / کاستی

۴. بلغم / صفرا / خون / سودا

۳۳- در کدام گزینه بخش مشخص شده نادرست معنا شده است؟

۱. در مجلس که باشی پیش دستی مکن به یاد گرفتن و سیکی بزرگ خواستن و نبید کم کن تا سیم بحاصل کنی: به سلامتی کسی می گساردن
۲. باید که اگر ندیم شاعر نباشد، در شعر بداند: درباره شعر اطلاعات داشته باشد.
۳. زینهار که یک ساعت بی تکرار حساب نباشی که علم حساب علم وحشی است: فرار است.
۴. همه خود را مخواه که گفته اند من طلب الكل فاته الكل: تنها در پی منفعت خویش مباش.

۳۴- کدام گزینه متعلق به باب نام برده است؟

۱. نثر چون رعیت است و نظم چون پادشاه و آن چیز که رعیت را نشاید پادشاه را هم نشاید و غزل و ترانه تر و آبدار گوی. (آیین خنیاگری)
۲. باید که به درزی و جامه شوی بی نیاز بود و بدین دو چیز برادران را خدمت کند و سفر دوست دارد. (آیین جوانمردی)
۳. تکلفهای نامه تازی خود معلوم است که چون باید کرد و اندر نامه تازی سجع هنرست و خوش آید. (آیین شاعری)
۴. اگر زمین آن جوی خشک بود ... چون آب بدو فروگذارند تا نخست تر و سیراب نگردد آب به کشت و پالیز نرساند. پس عامل بینوا چنان بود که آن جوی خشک، نخست برگ خویش سازد آنگه برگ تو. (آیین ندیمی)

۳۵- با توجه به متن سمک عیار کدام گزینه از وظایف اسفهسالار شغال پیل زور است؟

۱. استقبال از مهمانان دربار
۲. تعلیم شاهزادگان
۳. برقراری نظم در شهر
۴. فرماندهی لشکر چین

۳۶- کدام گزینه به طالع بینی اشاره ای ندارد؟

۱. پهلوانان پیامدند و ترتیب راه کردند، به روزی اختیار خیمه بر در زدند.
۲. در پیش قرص آفتاب آمد و ارتفاع ساعت گرفت.
۳. می راندند تا بدان بالا رسیدند که گوشه بیابان بود. آفتاب در قطب فلک ایستاده بود. آن وادی همچون دوزخ دیدند.
۴. ما زیج بردیم و دیدیم و از تأثیر فلک و احکام ستارگان شاهزاده را رنجی بخواهد رسیدن.

۳۷- گزینه نادرست را بیابید.

۱. «دختری چنین که تو نشان می دهی با خیمه اطلس اگر تنها بودی کجا رفتی بدین زودی؟»: نهاد «می دهی» و فاعل «رفتگی» یکسان است.
۲. «به هر نویتی که شاهزاده از شکار بازآمدی، پیش پدر بازرفتی»: فعل «بازرفتی» با فعل «رفتگی» در گزینه «الف» از نظر شخص یکسان است.

۳. «در شهر کاروان‌سرای بود و همه بازارگانان معروف آنجا فرود آمدندی»: زمان فعل «آمدندی» با زمان افعال در گزینه «ب» یکسان است.
۴. «اگر کاری بودی که به مال جهان برآمدی یا به لشکر عالم از پیش توانستمی بردن»: عبارت «لشکر عالم» متعلق به جملهٔ پیرو است.

۳۸- واژه‌های مشخص‌شده در کدام گزینه هم‌معنی هستند؟

۱. شاه بفرمود که شهر بیارایید و آیین و قبه ببندید. / و آیین او چنان بود که چون جنگی کردی سپاهی داشتی آراسته و ساخته.
۲. عنان خود را کشیده داشت و دایه را بریست و بر دوش گرفت و در باغ درآمد. / جماعت جوانمردان را دید نشسته و زنی در چوب کشیده.
۳. غلامی چند نخلی خرما که با وی کشتی باید گرفتن. / ا سب را بیاوردند ازین ابر شی تو سن هم چند پیلی در میان میدان بداشتند.
۴. ما سخن گوئیم الا را ست نتوانیم گفتن که نام ما به جوانمردی رفته است. / ساقیان شراب درمی‌دادند تا شراب در طبع ایشان راست بایستاد.

۳۹- کدام گزینه گفتهٔ شخصیت متفاوتی است؟

۱. به من بر پس از مرگ نفرین بود/ همان نام من نیز بی‌دین بود
۲. پس من تو زود آیی ای مهربان/ تو از من مرنج و مرنجان روان
۳. ز تاج پدر بر سرم بد رسید/ در گنج را جان من شد کلید
۴. بمیرم پدروارش اندر پذیر/ همی هر چه گویم تو را یادگیر

۴۰- در کدام بیت منظور از واژه «عهد» با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

۱. اسفندیار: اگر عهد شاهان نباشد درست/ نباید ز گشتاسپ منشور جست
۲. گشتاسپ: کسی کو ز عهد جهاندار گشت/ به گرد در او نشاید گذشت
۳. اسفندیار: نه او در جهان نامداری نوست/ بزرگست و با عهد کیخسروست
۴. رستم: بیارم برت عهد شاهان داد/ ز کیخسرو آغاز تا کیقباد

۴۱- در کدام گزینه واژهٔ مشخص‌شده را باید با کسرهٔ اضافه خواند؟

۱. بدرد جگرگاه دیو سپید/ ز شمشیر او گم کند راه شید
۲. بخندید بهمن پیاده ببود/ بپرسیدش و گفت بهمن شنود
۳. مده از پی تاج سر را به باد/ که با تاج شاهی ز مادر نژاد
۴. چنین گفت با او یل اسفندیار/ که کاری گرفتیم دشخوار خوار

۴۲- مخاطب کدام بیت متفاوت است؟

۱. کنون مایه‌دار تو گشتاسپ است/ نشست تو در زیر جاماسپ است
۲. در فرهی بر تو اکنون ببست/ که بر تخت تو ناسزا برنشست
۳. همان روز کز بهر کاوس شاه/ بدی پرده و سایه‌دار سپاه
۴. کزین پس که را برد خواهی به جنگ/ که را داد خواهی به چنگ نهنگ

۴۳- در کدام گزینه فعل مشخص‌شده در معنای جنگیدن یا حمله کردن به کار نرفته است؟

۱. زواره بفرمود کاندر نهید/ سران را ز خون بر سر افسر نهید
۲. بترسم که با او نیارم زدن/ ندانم کزین پس چه شاید بدن
۳. برآویخت با نامور مهرنوش/ دو رویه ز لشکر برآمد خروش
۴. چو از دور نوش‌آذر او را بدید/ بزد دست و تیغ از میان برکشید

۴۴- کدام بیت درست نقل نشده است؟

۱. هم آنکه سر نامبردار شاه/ نگون اندر آمد ز پشت سپاه
۲. مشو ایمن از گنج و تاج و سپاه/ روانم تو را چشم دارد به راه
۳. کنون رستم آید ز نخچیرگاه/ زواره فرامرز و چندی سپاه
۴. زواره بیامد به پیش سپاه/ دهاده برآمد ز آوردگاه

۴۵- کدام بیت از داستان رستم و اسفندیار نیست؟

۱. دل من همی بر تو مهر آورد/ همی آب شرمم به چهر آورد
۲. از آن سو خروشی برآورد رخس/ و زین روی اسپ یل تاج‌بخش
۳. خورش چون بدین گونه داری به خوان/ چرا رفتی اندر دم هفت‌خوان
۴. بر آن خستگیها بمالید پر/ هم اندر زمان گشت با زیب و فر

۴۶- کاربرد «را» در کدام گزینه وضعیت نحوی نادری به وجود آورده است؟

۱. بگوئید کاسفندیار آمده است/ جهان را یکی خواستار آمده است
۲. همی خویشان را بزرگ آیدت/ وزین نامداران سترگ آیدت
۳. وگر بازگرداندم ناامید/ نباشد مرا روز با او سپید
۴. نمائی همی جز سیاوخش را/ مر آن تاجدار جهان‌بخش را

۴۷- کدام گزینه به رسم یا رفتار مرسوم درباری اشاره ندارد؟

۱. تهمتن بفرمود کز دست راست/ نشستن بیارا چنان کت هواست

۲. پیامد بر آن کرسی زر نشست / پر از خشم بویا ترنجی به دست
۳. چو از خوان نخچیر برخاستند / سبک باره مهتران خواستند
۴. بدو گفت بهمن که خسرو نژاد / سخن گوی و بسیار خواره مباد

۴۸- توضیح همه گزینه‌ها درست است جز گزینه ...

۱. بر آن کوهه زین که از آهن است / همان رخس گویی که آهرمن است: مصراع اول در توصیف رستم است.
۲. اگر همنبردش بود زنده پیل / برافشان تو بر تارک پیل نیل: کاربرد فعل امر در مصراع دوم قطعیت و حتمیت را می‌رساند.
۳. ازین بر شده تیز چنگ اژدها / به مردی و دانش که یابد رها: بیت به اسفندیار اشاره دارد.
۴. چو هنگام نان خوردن اندر گذشت / ز مغز دلیر آب برتر گذشت: مصراع دوم به سرآمدن صبر رستم اشاره دارد.

۴۹- کدام توضیح درست است؟

۱. راوی: بگفت این و گویا زبان برگشاد / همه پند و اندرز او کرد یاد
هم اندرز بهمن به رستم بگفت / برآورد رازی که بود از نهفت: وصیت پرورش بهمن
۲. اسفندیار: چو جاماسب آمد مرا بسته دید / وزان خستگی‌ها تنم خسته دید
مرا پادشاهی پذیرفت و تخت / بر آن نیز چندی بکوشید سخت: تأیید کرد که من شاهم
۳. اسفندیار: ز شاهان کسی بر چنین داستان / ز بنده نبودند همداستان: از طرف من
۴. راوی: سخنهای آن نامور پیشگاه / چو بشنید بهمن پیامد به راه: درباریان مشهور

۵۰- گزینه درست را بیابید.

۱. در بیت «که کند این پسندیده دندان پیل / که آکند با موج دریای نیل؟» «با موج» صفت دریای نیل است.
۲. در بیت «سرت را ز تاج کیان شرم باد / به رفتن پی اخترت نرم باد» تندرو بودن بخت برای گشتاسپ خواسته شده است.
۳. در بیت «به یالش همی اندر آویختند / همی خاک بر تارکش ریختند» منظور از یال، گردن انسان است.
۴. در بیت «به ایران چو دین بهی راست گشت / بزرگی و شاهی مرا خواست گشت» «مرا خواست گشت» به معنای «ویژه من شد» است.

۵۱- در کدام گزینه ضمیر «م» در نقش مفعول وجود دارد؟

۱. در اندیشه‌ام تا کدامم کریم / از آن سنگدل دست گیرد به سیم
۲. یکی دست گیرم به چندی درم / که چندی است تا من به زندان درم
۳. کنون دشمنان گر برندم اسیر / نباشد کس از دوستانم نصیر
۴. یکم روز بر بنده‌ای دل بسوخت / که می‌گفت و فرماندهش می‌فروخت

۵۲- در کدام گزینه جمله پرسشی وجود ندارد؟

۱. که ای نفس من درخور آتشم/ به خاکستری روی در هم کشم
۲. نه گر چون تویی بر تو کبر آورد/ بزرگش نبینی به چشم خرد
۳. نه خواهنده‌ای بر در دیگران/ به شکرانه خواهنده از در مران
۴. یکی گفتش آخر نه مردی تو نیز/ تحمل دریغ است از این بی‌تمیز

۵۳- کدام نقش را می‌توان به هر دو قسمت مشخص‌شده در بیت نسبت داد؟

۱. اگر تیغ دورانش انداخته است/ نه شمشیر دوران هنوز آخته است؟ (نهاد)
۲. چو بینی دعاگوی دولت هزار/ خداوند را شکر نعمت گزار (مفعول)
۳. نشاید به دارو دوا کردشان/ که کس مطلع نیست بر دردشان (مضاف الیه)
۴. به تیغ از غرض برگیرند چنگ/ که پرهیز و عشق آبگینه است و سنگ (مسند)

۵۴- کدام بیت می‌تواند متعلق به باب نام‌برده باشد؟

۱. درون فروماندگان شاد کن/ ز روز فرومایگی یاد کن (عشق)
۲. چو در چشم شاهد نیاید زرت/ زر و خاک یکسان نماید برت (رضا)
۳. حریص و جهان‌سوز و سرکش مباح/ ز خاک آفریدندت آتش مباح (تواضع)
۴. چو دولت نبخشد سپهر بلند/ نیاید به مردانگی در کمند (احسان)

۵۵- در کدام گزینه واژه مشخص‌شده به درستی معنا شده است؟

۱. نگویم که بر آب قادر نیند/ که بر شاطی نیل مستسقیند: امواج
۲. چو غازی که بر خود نبندند پای/ که محکم رود پای چوبین ز جای: جنگجو
۳. جوانی خردمند و پاکیزه بوم/ ز دریا برآمد به در بند روم: بندر
۴. چو دست و زبان را نماند مجال/ به همت نمایند مردی رجال: تلاش بسیار

۵۶- توضیح کدام بیت درست است؟

۱. نه درخورد سرمایه کردی کرم/ تنک‌مایه بودی از این لاجرم (ثروتمند بود و خسیس)
۲. به لطف و لبق گرم‌رو مرد بود/ ولی دیگدانش عجب سرد بود (خوشرو بود اما فقیر)
۳. چو چشمارو آنگه خورند از تو سیر/ که از بام پنجه گز افتی به زیر (بعد مرگ از او بهره می‌برند)
۴. ز میدان خالی نبودی چو میل/ همه وقت پهلوی اسبش چو پیل (همیشه در حال بازی بود)

۵۷- کدام بیت سعدی با آنچه او در زیر درباره خود گفته مطابقت بیشتری دارد؟

- «گرت عقل و رای است و تدبیر و هوش/ به عزت کنی پند سعدی به گوش
که اغلب در این شیوه دارد مقال/ نه در چشم و زلف و بناگوش و خال»

۱. گرفتم که سیم و زرت چیز نیست/ چو سعدی زبان خوشت نیز نیست؟
۲. سعید آورد قول سعدی به جای/ که ترتیب ملک است و تدبیر رای
۳. سخن ماند از عاقلان یادگار/ ز سعدی همین یک سخن یاد دار
۴. نگفتند حرفی زبان‌آوران/ که سعدی نگوید مثالی بر آن

۵۸- کدام بیت اشکال وزنی دارد؟

۱. استاد شهید زنده بایستی/ وان تیره‌چشم شاعر روشن‌بین
۲. تو دانی که مردم که نیکی کند/ کند تا مکافات آن برچند
۳. ترا به سرو این بالا قیاس نتوان کرد/ که سرو را قد و بالا بدان تو ماند
۴. گویی همه بجوشد بر تنت جوشنت/ گویی همه ز غیب جوشن برون شوی

۵۹- در کدام گزینه بخش مشخص شده مفعول نیست؟

۱. جواب دادم و گفتم: تو را مگر بنکشت/ قضا به دست فراق اندرون چراغ وصال
۲. سرای پرده صحبت کشید سب و ترنج/ به طبل رحلت بر زد گل بنفشه دوال
۳. بخواه آن که بکرده است تا به شیشه بود/ به گونه قرمز باطل به بوی مشک حلال
۴. به چابکی بر باید چنان که نازارد/ ز پوست روی مبارز به نوک پیکان خال

۶۰- در کدام بیت کاربرد «ی» در فعل با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

۱. اگر تو را ملک چینان بدیدی روی/ نماز بردی و دینار برپراگندی
۲. اگر غم را چو آتش دود بودی/ جهان تاریک بودی جاودانه
۳. اگر تو را ملک هندوان بدیدی روی/ سجود کردی و بتخانه‌هاش برکندی
۴. اگر نه همه کار تو بازگونه است/ چرا آن که ناکس تر او را نوازی

۶۱- با توجه به ممدوح قصیده «مادر می»، در کدام بیت در نظر گرفتن موطن ممدوح در ساخت تعبیرات مدحی مؤثر نبوده است؟

۱. سام سواری که تا ستاره بتابد/ اسب نبیند چنو سوار به میدان
۲. خسرو بر تخت پیشگاه نشسته/ شاه ملوک جهان امیر خراسان
۳. ورش بدیدی سفندیار گه رزم/ پیش سنانش جهان دویدی و لرزان
۴. رستم را نام اگرچه سخت بزرگ است/ زنده بدوی است نام رستم دستان

۶۲- توضیح کدام بیت درست است؟

- الف) به خانه در بنشستم به جای می خوردم/ به جام ناله می داغ دوست مالا مال (شاعر در حال شراب‌خواری است)
- ب) از قنینه برفت چون مه نو/ در پیاله مه چهارده شد (شراب وقتی در قنینه جای دارد، مانند هلال است)

پ) همه چیز پیری پذیرد بدان / مگر دوستی کان بماند جوان (از میان همه چیزها دوستان جوان پاینده‌اند)
ت) هر آن چیز کاندرد جهان ناوری / چرا گوش داری که بیرون بری (چرا انتظار داری که ناورده را بیرون ببری؟)

۱. الف

۲. ب و ت

۳. پ و ت

۴. ت

۶۳- در کدام بیت‌ها بخش مشخص شده یک کلمه مرکب است؟

الف) ای آفتاب چهره بت زاد سرو قد / کز زلف مشک باری وز نوک غمزه تیر

ب) مرا ز دیده گرفت آفتاب خواب زوال / کجا برآمد خیل ستارگان خیال

پ) چرا به صبر نکوشم که صبر دوست بود / کسی که بسته بود عقل او کمر به کمال

ت) گویی کمند رستم گشت آن کمند زلف / کز بوستان گرفته گل سرخ را اسیر

۱. الف و ب

۲. ب و ت

۳. پ و ت

۴. الف و پ

۶۴- کدام صورت از هر یک از بیت‌های متوالی زیر به لحاظ معنایی درست است؟

۱الف) به دشت اندرون تشنه را آب شور / نماید چو آب از درخشنده هور

۱ب) به دشت اندرون تشنه را خاک شور / نماید چو آب از درخشنده هور

۲الف) اگر برشتابد بدو آب جوی / نیابد در او آبجوی آب جوی

۲ب) اگر برشتابد بدو آبجوی / نیابد در او آبجوی آب جوی

۳الف) نه مشک است هرچ او سیاهی نبود / سیاهی نماید همان نیز دود

۳ب) نه مشک است هرچ او سیاهی نمود / سیاهی نماید همان نیز دود

۴الف) به هرچ آید اندر دل ما گمان / بر آن گونه گردش کند آسمان

۴ب) نه هرچ آید اندر دل ما گمان / بر آن گونه گردش کند آسمان

۱. ۱ب، ۲ب، ۳ب، ۴ب

۲. ۱الف، ۲الف، ۳الف، ۴الف

۳. ۱الف، ۲ب، ۳ب، ۴ب

۴. ۱ب، ۲الف، ۳الف، ۴ب

۶۵- در درون کدام بیت مخاطب تغییر می‌کند؟

۱. دیر زیاد آن بزرگوار خداوند/ جان گرامی به جانش اندر پیوند
۲. هموار کرد خواهی گیتی را/ گیتی است کی پذیرد همواری
۳. ما را جگر به تیر فراق تو خسته گشت/ ای صبر بر فراق بتان سخت جوشنی
۴. قامت چون سرو روانش نگر/ آن لب شیرین و زبانش نگر

۶۶- کدام گزینه درباره شعر «اجاق سرد» نادرست است؟

۱. در این شعر گونه‌ای از تکرار مطلع در مقطع وجود دارد.
۲. قافیه‌ها در فواصل نامنظم آمده‌اند.
۳. شعر می‌تواند تداعی‌گر پایان جوانی شاعر باشد.
۴. شعر در مرز تحول شعر نیمایی به شعر سپید است.

۶۷- کدام گزینه کاستی وزنی ندارد؟

۱. در میان بس آشفته مانده/ قصه دانه‌اش هست و دامی
۲. شد ز ره کاروان طربناک/ جرسش را به جا مانده شیون
۳. می‌توان چون غلامان به طاعت/ شنوا بود و فرمانبر اما
۴. خیز اینک در این ره که ما را/ خبر از رفتگان نیست در دست

۶۸- سطر بندی درست شعر «ققنوس» چگونه است؟

۱. از آن زمان/ که زردی خورشید روی موج/ کمرنگ مانده است/ و به ساحل گرفته اوج/ بانگ شغال و مرد دهاتی/ کردست روشن/ آتش پنهان خانه را/ قرمز به چشم/ شعله خردی خط می‌کشد/ به زیر دو چشم درشت شب.
۲. از آن زمان که زردی خورشید روی موج/ کمرنگ مانده است و به ساحل گرفته اوج/ بانگ شغال و مرد دهاتی/ کردست روشن آتش پنهان خانه را/ قرمز به چشم شعله خردی/ خط می‌کشد به زیر دو چشم درشت شب.
۳. از آن زمان که زردی خورشید روی موج/ کمرنگ مانده است و به ساحل گرفته اوج/ بانگ شغال و مرد دهاتی/ کردست روشن آتش پنهان خانه را/ قرمز به چشم/ شعله خردی/ خط می‌کشد به زیر دو چشم درشت شب.
۴. از آن زمان که زردی خورشید روی موج/ کمرنگ مانده است و به ساحل گرفته اوج/ بانگ شغال و مرد دهاتی کردست روشن آتش پنهان خانه را/ قرمز به چشم شعله خردی/ خط می‌کشد به زیر دو چشم درشت شب.

۶۹- در کدام گزینه برداشت درستی از شعر صورت نگرفته است؟

۱. ما قلبه‌مان را به باغ مهربانیهای معصومانه/ می‌بردیم/ و به درختان قرض می‌دادیم: اشاره‌ای به کندن یادگاری دارد.
۲. آن روزهایی کز شکاف پلکهای من/ آوازه‌ایم، چون حبابی از هوا لبریز، می‌جوشید/ چشمم به روی هر چه می‌لغزید/ آن را چو شیر تازه می‌نوشتید: زیرساخت تصویرسازی، شباهت ظاهری چشم و دهان است.

۳. بازار در زیر قدمها پهن می شد، کش می آمد، با تمام لحظه های راه می آمیخت / و چرخ می زد در ته چشم عرو سکها: بازار همچون موجودی زنده با راوی همراه شده است.
۴. پدر می گوید: «از من گذشته ست / از من گذشته ست / من بار خود را بردم / و کار خود را کردم» / و در اتاقش از صبح تا غروب یا شاهنامه می خواند / یا ناسخ التواریخ: نام بردن از شاهنامه و ناسخ التواریخ اشاره به بی توجهی شخصیت پدر نسبت به آینده دارد.

۷۰- کدام گزینه در باب اشعار فروغ فرخزاد نادرست است؟

۱. بسامد فعل در شعر «جمعه» چشمگیر است.
۲. فروغ در برخی از اشعار خود یک وزن را به هم می ریزد و آن را با وزنی دیگر درمی آمیزد.
۳. تقابل دنیای کودکی و بزرگسالی از درون مایه های شعر فروغ است.
۴. در شعر «دلیم برای باغچه می سوزد» هیچ یک از شخصیتها از جمله راوی وضعیت باغچه را تغییر نمی دهند.

۷۱- بخش مشخص شده در کدام گزینه مصداق حذف همزه است؟

۱. و عشق / که در سلامی شرم آگین خویشتن را بازگو می کرد / در ظهرهای گرم دودآلود
۲. گرمای کرسی خواب آور بود / من تند و بی پروا / دور از نگاه مادرم خطهای باطل را / از مشقه های کهنه خود پاک می کردم
۳. و گم شدند آن کوچه های گیج از عطر اقاقی ها / در ازدحام پر هیاهوی خیابانهای بی برگشت
۴. فردا / حجم سفید لیز / با خش و خش چادر مادربزرگ آغاز می شد

۷۲- کاربرد «آتش جوع» به جای «آتش گرسنگی» در شعر «سگها و گرگها» چه علتی دارد؟

۱. گرایش شاعر به استفاده بیشتر از واژه های عربی
۲. توجه شاعر به ساختن تناسب با دیگر واژه های بند
۳. پایبندی شاعر به ترجمه دقیق و لفظ به لفظ از متن اصلی
۴. نگنجیدن واژه گرسنگی در وزن شعر

۷۳- کدام گزینه درست است؟

۱. قالب شعر «سترون» (سیاهی از درون کاهدود پشت دریاها ...) نیمایی است.
۲. در هر دو شعر «زمستان» و «روی جاده نمناک» قافیه اصلی ای وجود دارد که در سراسر شعر رعایت می شود.
۳. در شعر «نادر یا اسکندر» شاعر به ناچار راضی می شود که توبه نامه بنویسد.
۴. شعر «پیوندها و باغ» (لحظه ای خاموش ماند آنگاه ...) بیانگر گله مندی شاعر از فقر است.

۷۴- کدام گزینه درست نیست؟

۱. در شعر «میراث» (پوستینی کهنه دارم من ...) نوعی جبهه گیری علیه اشرافیت به چشم می خورد.

۲. در شعر «روی جاده نمناک» (اگرچه حالیا دیربست کان بی کاروان کولی ...) کاربرد صنعت تلمیح بسیار چشمگیر است.
۳. در شعر «گفتگو» (باری حکایتی است ...) مانند «قصه شهر سنگستان» (دو تا کفتر ...) باستانگرایی برجسته است.
۴. پایان‌بندی شعر «قصه شهر سنگستان» بسیار خاص و منحصر به فرد است.

۷۵- با توجه به شخصیت‌های شعری اخوان، کدام گزینه نمی‌تواند گفته شخصیت مطرح‌شده باشد؟

۱. ولیکن عزت آزادی را / نگهبانیم آزادیم آزاد ← سگها (از شعر «سگها و گرگها»)
۲. بنوش ای برف گلگون شو برافروز / که این خون خون ما بی‌خانمان‌هاست ← گرگها (از شعر «سگها و گرگها»)
۳. فضا را تیره می‌دارد ولی هرگز نمی‌بارد ← پیر دروگر (از شعر «سترون»)
۴. مادیان سرخیال ما سه کُرت تا سحر زایید / در کدامین عهد بوده است این چنین یا آنچنان؟ بنویس ← امیر عادل (از شعر «میراث»)

۷۶- کدام گزینه قابلیت برداشت مفهوم بیگانه‌ستیزی را ندارد؟

۱. سیاهی از درون کاهدود پشت دریاها / برآمد با نگاهی حبله‌گر، با اشکی آویزان
۲. بلی! دزدان دریایی و قوم جادوان و خیل غوغایی به شهرش حمله آوردند
۳. این شب است آری شبی بس هولناک / لیک پشت تپه هم روزی نبود
۴. من نهادم سر به نرده آهن باغش که مرا از او جدا می‌کرد / و نگاهم مثل پروانه / در فضای باغ او می‌گشت

۷۷- درون‌مایه اصلی چوب به دستهای ورزیل در کدام یک از تقابلهای زیر نمود می‌یابد؟

۱. تقابل زندگی صنعتی با زندگی روستایی
۲. تقابل حکومت نظامی با حکومت مبتنی بر فرهنگ بومی
۳. تقابل استعمارگران با تولیدکنندگان
۴. تقابل اندیشه‌های جوان و پویا با افکار کهنه و ناکارآمد

۷۸- کدام گزینه درباره چوب به دستهای ورزیل درست نیست؟

۱. با توجه به متن نمایشنامه، دو عامل وضعیت اقتصادی و ویژگیهای روانشناختی جامعه، در نقد اجتماعی ساعدی از اهمیت بسیاری برخوردارند.
۲. استحاله شکارچیان به موجوداتی گرازمانند تعبیری است از شکل‌گیری بحرانی مضاعف از دل یک چاره‌جویی نادرست.
۳. انتخاب یک جغرافیای روستایی برای نگارش چوب به دستهای ورزیل نشانگر تأکید ساعدی بر فضیلت‌های زندگی روستائینیان است.
۴. نابودی ورزیلی‌ها در سرانجام نمایشنامه تحذیر از عواقب سلطه‌پذیری است نه دعوت به انفعال و عافیت‌طلبی.

۷۹- با در نظر گرفتن تیپ‌سازی ساعدی در چوب به دستهای ورزیل کدام گفته را نمی‌توان به گوینده این عبارت نسبت داد؟

«بین چه معصیتی کردیم که حالا بایس این جوری کفاره شو پس بدیم ... خدا غضبمون کرده.»

۱. انشاءالله نوبت هیشکی نیس ... به دلت بد نیار ... توکل به خدا داشته باش.
۲. با این دهلها می‌خوایین گراز بتارونین؟ والله بالله معصیت داره. این کارو نکنین.
۳. ما نه ... خدا ... ماها وسیله‌ایم.
۴. اما خدا که نمید گراز رو بتارونه بابا ... اون به من و تو دست داده که خودمون این کارو بکنیم.

۸۰- با توجه به شناختی که از شخصیت‌های چوب به دست‌های ورزیل دارید، کدام برداشت از این گفته‌ها درست نیست؟

۱. مشد جعفر: واسه من بد نشد ... نصف زمینمو مفت و مجانی شخم زدن. (خودخواه و منفعت‌طلب)
۲. اسدالله: امشب سر و کله‌شون پیدا میشه ... بایس یه جوری تار و مارشون کرد. (اهل فکر و عمل)
۳. مشد ستار: من چه می‌دونم؟ هر چی شماها بگین. (منفعل و بی‌اراده)
۴. کدخدا: این جور چیزها رو یه نفر تو تنهایی نمی‌تونه بفهمه. (اهل صلاح و مشورت)

۸۱- کدام گزینه درباره «فارسی شکر است» درست نیست؟

۱. شخصیت‌ها پس از آزادی از زندان تغییر می‌کنند.
۲. راوی اول شخص است و خود شخصیتی در داستان.
۳. شخصیت‌ها و مکان‌ها کمابیش مفصل توصیف شده‌اند.
۴. زبان هر یک از شخصیت‌ها نمایانگر تیپ اجتماعی آنهاست.

۸۲- کدام گزینه کمتر تحت تأثیر نحو بیگانه است؟

۱. سرگردان مانده بودیم که به چه بامبولی یخه‌مان را از چنگ این ایلغاربان خلاص کنیم و به چه حقه و لمی از گیرشان بجهیم.
۲. ای دوست و هم‌وطن عزیز! چرا ما را اینجا گذاشته‌اند؟ من هم ساعتهای طولانی هر چه کله خود را حفر می‌کنم، آبسولومان چیزی نمی‌یابم.
۳. آیا خیلی کومیک نیست که من جوان دیپلمه از بهترین فامیل را برای یک ... یک کرمینل بگیرند و با من رفتار بکنند مثل با آخرین آمده؟
۴. یک مملکت که خود را افتخار می‌کند که خودش را کنستیتوسیونل اسم بدهد باید تریبونهای قانونی داشته باشد که هیچ کس رعیت به ظلم نشود.

۸۳- کدام گزینه درباره داستان «سگ ولگرد» صادق هدایت درست نیست؟

۱. پات تنها روایتگر جهان داستانی نیست.
۲. داستان در یک روز می‌گذرد اما با یادهایی از گذشته همراه است.
۳. فضایی که در ابتدای داستان توصیف می‌شود، در تضاد با وضعیت پایانی داستان است.

۴. با توجه به توصیفهای داستان، پات روحی انسانی دارد.

۸۴- کدام یک از عبارتهای زیر از «داش آکل» به درستی معنا شده است؟

۱. داش آکل ... خنده گستاخی کرد ... و گفت: بی غیرتها رجز می خوانند، آن وقت معلوم می شود رستم صولت و افندی پیزی کیست: دوست از دشمن پدید می آید.
۲. داش آکل سه گره اش را در هم کشید، با تفنّن به چپش پک می زد و مثل این بود که ناگهان روی هوای خنده و شادی قهوه خانه از ابرهای تاریک پوشیده شد: کیسه توتونش را بست.
۳. پدر او یکی از ملاکین بزرگ فارس بود. زمانی که مرد همه دارایی او به پسر یکی یكدانه اش رسید. ولی داش آکل پشت گوش فراخ و گشاد باز بود، به پول و مال دنیا ارزشی نمی گذاشت: بی توجه و اسرافکار.
۴. اغلب دیده می شد که داش آکل از مردم دستگیری می کرد، بخشش می نمود و اگر دنگش می گرفت، بار مردم را به خانه شان می رسانید: قرعه به نامش می افتاد.

۸۵- کدام گزینه درباره «داش آکل» صادق هدایت درست نیست؟

۱. می توان الگویی از «قهرمان - ضد قهرمان» در داستان یافت.
۲. داش آکل در مقایسه با اشخاص داستان «فارسی شکر است» پیچیدگی روانشناختی بیشتری دارد.
۳. توصیف دقیق لباسها یکی از روشهای هدایت برای شخصیت پردازی اشخاص داستان است.
۴. هدایت با نقد تاریخ عیاری و جوانمردی، ارزشهای دنیای مدرن را جایگزینی برای سنتهای ناکارآمد معرفی می کند.

۸۶- در کدام گزینه به ویژگی متفاوتی از «اشک» اشاره شده است؟

۱. ترسم که اشک در غم ما پرده در شود/ وین راز سر به مهر به عالم سمر شود
۲. باغبان همچو نسیم ز در خویش مران/ کآب گلزار تو از اشک چو گلنار من است
۳. چه گویمت که ز سوز درون چه می بینم/ ز اشک پرس حکایت که من نیم غماز
۴. گر کمیت اشک گلگونم نبودی گرم رو/ کی شدی روشن به گیتی راز پنهانم چو شمع

۸۷- کدام یک از بیتها سروده سراینده بیت زیر است؟

«سل المصانع رکباً تهیم فی الفلوات/ تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی»

۱. چنان به موی تو آشفته ام به بوی تو مست/ که نیستم خبر از هر چه در دو عالم هست
۲. بر سر آنم که گر ز دست برآید/ دست به کاری زنم که غصه سرآید
۳. من ترک عشق شاهد و ساغر نمی کنم/ صد بار توبه کردم و دیگر نمی کنم
۴. آن یار کزو خانه ما جای پری بود/ سر تا قدمش چون پری از عیب بری بود

۸۸- در همه گزینه ها انتقال پیام با نوعی غافل گیری صورت می گیرد جز گزینه ...

۱. نه آنچنان به تو مشغولم ای بهشتی‌روی / که یاد خویشتم در ضمیر می‌آید
۲. عزم دارم کر دلت بیرون کنم / و اندرون جان بسازم مسکنت
۳. رایگان است یک نفس با دوست / گر به دنیا و آخرت بخری
۴. گر بزندم به تیغ در نظرش بی‌دریغ / دیدن او یک نظر صد چو منش خونبهاست

۸۹- کدام رباعی می‌تواند دستاویزی برای اتهام الحاد به خیام باشد؟

۱. بر چرخ فلک هیچ کسی چیر نشد / وز خوردن آدمی زمین سیر نشد
مغرور بدانی که نخوردست ترا / تعجیل مکن هم بخورد دیر نشد
۲. دشمن به غلط گفت که من فلسفی‌ام / ایزد داند که آنچه او گفت نی‌ام
لیکن چو درین غم‌آشیان آمده‌ام / آخر کم از آنکه من بدانم که کی‌ام
۳. می‌خور که به خاک در بسی خواهی خفت / بی‌مونس و بی‌سماع و بی‌باده و جفت
زنهار که این راز همی دار نهفت / آن لاله که پژمید دیگر نشکفت
۴. زان پیش که از زمانه تابی بخوریم / باری به هم ای دوست شرابی بخوریم
کین چرخ فلک به وقت رفتن ما را / چندان ندهد امان که آبی بخوریم

۹۰- کدام صورت درست است؟

۱. بت که دلبر کندش بتگر نیست / دلبری دستبرد آزر نیست
۲. بت که بتگر کندش دلبر نیست / دلبری دستبرد آزر نیست
۳. بت که دلبر کندش بتگر نیست / بتگری دستبرد آزر نیست
۴. بت که بتگر کندش دلبر نیست / بتگری دستبرد آزر نیست

۹۱- در همه بیتها «باد صبا» شماتت شده است جز گزینه

۱. نشان یار سفر کرده از که پرسم باز / که هر چه گفت برید صبا پریشان گفت
۲. دست در حلقه آن زلف دوتا نتوان کرد / تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد
۳. ز دلبرم که رساند نوازش قلمی / کجاست پیک صبا گر همی کند کرمی
۴. تو را صبا و مرا آب دیده شد غماز / و گرنه عاشق و معشوق رازدارانند

۹۲- در کدام گزینه شخصیت‌های قرآنی و ایرانی پیش از اسلام یکی دانسته شده‌اند؟

۱. گفتم ای مسند جم جام جهان‌بینت کو / گفت افسوس که آن دولت بیدار بخفت
۲. آن کس که به دست جام دارد / سلطانی جم مدام دارد
۳. سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود / که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند
۴. بر تخت جم که تاجش معراج آسمان است / همّت نگر که موری با آن حقارت آمد

۹۳- نام ممدوح شعر زیر چیست؟

خواندم حکایتی ز کتابی که جمع کرد/ اندر حکایت خلفا زید باهلی
گفتا که داد مأمون یک شب دو بدره زر/ بر نعمت سحاق براهیم موصلی
کس کرد و باز خواست دگر روز بدره‌ها/ گفتا سراف باشد و نوعی ز جاهلی
مر منصرف لقبش نهادند زیرکان/ واندر زبان گرفتش هر کس به مُدْخلی
لاینصرف تویی ز بزرگان روزگار/ وینک ز نام خویش مر این را دلایلی

۱. محمد

۲. احمد

۳. حمید

۴. محمود

۹۴- آیا شعر زیر می‌تواند بخشی از یک شعر نیمایی باشد؟

«آه ای یقین گم شده ای ماهی گریز/ در برکه‌های آینه لغزیده توبه‌تو/ من آبگیر صافی‌ام اینک به سحر و شق/ از برکه‌های آینه
راهی به من بجو»

۱. نه، زیرا از قافیه‌بندی آن پیداست که قالب شعر قطعه است.

۲. نه، زیرا تعبیرهای عراقی مانند «سحر عشق» نشان می‌دهد که شعر دو بیت از یک غزل است.

۳. آری، زیرا نابرابری اندازه مصرعها در شعر نیمایی اجباری نیست.

۴. آری، زیرا شعر چهارپاره است و چهارپاره از انواع شعر نیمایی است.

۹۵- کدام گزینه در باب احمد شاملو درست نیست؟

۱. گرایش او به پرداختن به مفاهیم اجتماعی باعث کمرنگ شدن عنصر تغزل در شعرش شده است.

۲. او از امکانات نثر کهن برای ساخت ترکیب‌های تازه بهره برده است.

۳. عنصر شب چه به طور واقعی چه به طور نمادین در شعرش پربسامد است.

۴. گذشته از سپیدسرایی، سرودن شعر نیمایی بخش مهمی از کارنامه شعری اوست.

۹۶- کدام توضیح از عبارت نقل شده بر نمی‌آید؟

۱. چخوف: «اگر در داستان گفته‌اید تفنگی به دیوار آویخته شده، تا پایان داستان باید از آن تیری شلیک شود»: هیچ عنصر داستانی نمی‌تواند بدون ضرورت در داستان به کار رود.

۲. تورگنیف: «ما همه از شنل گوگول درآمده‌ایم»: گوگول تأثیر زیادی بر ادبیات روس داشته است.

۳. بارتلمی: «هیچ یک از مکاشفاتی که در گذشته از آنها یاد شده مانند *ارد/ویر/نامه* ایرانی با *کمدی/الهی* دانته شباهت ندارد»: سفر به دنیای پس از مرگ یک دغدغه مشترک انسانی است.

۴. گوته: «در بند آن مباش / که نیکی ات کجا فرود می آید! / تو نان خود را در رود انداز / باشد که به نیازمندی برسد»: گوته شعر حافظ را خوانده و تحت تأثیر او بوده است.

۹۷- کدام گزینه دربارهٔ *شازده* / *احتجاب* هوشنگ گلشیری نادرست است؟

۱. شازده در پایان داستان مرد.
۲. داستان به شیوهٔ جریان سیال ذهن روایت شده است.
۳. داستان حاوی انتقاد از فئودالیسم قاجاری است.
۴. فضای شهری تهران قدیم در داستان توصیف شده است.

۹۸- کدام اثر رمانی پسامدرن است؟

۱. همسایه‌ها
۲. بوف کور
۳. *آزاده خانم* و *نویسنده/ش*
۴. کلیدر

۹۹- کدام اثر از نویسندگان زن ایرانی نیست؟

۱. *خانهٔ ادریس‌ها*
۲. *اهل غرق*
۳. *سنگ صبور*
۴. *سووشون*

۱۰۰- کدام گزینه از زبانهای ایرانی باستان است؟

۱. پهلوی
۲. اوستایی
۳. خوارزمی
۴. بلخی